

حجیت قول خبره

بحث در قاعده حجیت قول اهل خبره است. گفتیم این قاعده یکی از قواعد فقهی است که در ابواب مختلف فقه قابل تطبیق است و از جمله ثمرات آن حجیت و اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشات پزشکی مبتنی بر مقدمات حدسی است. و اگر چه حق این بود که ما این قاعده را به عنوان اصل موضوعی مفروض می گرفتیم اما چون قاعده به صورت منقح در کلمات علماء مطرح نشده است و کلمات آنان دارای اضطراب است ناچار به بررسی این مساله در بحث شدیم.

به کلمات مرحوم شیخ و مرحوم آخوند در ضمن برخی مباحث اشاره کردیم. مرحوم نایینی نیز در ضمن بحث حجیت قول لغوی به این مساله اشاره کرده اند که چون کلامشان مشتمل بر نکات قابل توجهی است به کلام ایشان نیز اشاره می کنیم.

ایشان ابتداء ضابطه خبر حسی و حدسی را بیان کرده اند:

«ان الفارق بین باب الشهادة و بین باب الرجوع إلى أهل الخبرة هو ان الخبر عن شيء تارة يكون خبرا عن أمر محسوس مدرك بإحدى الحواس الظاهرة (و أخرى) يكون خبرا عن أمر حدسي يختص إدراكه بطائفة دون طائفة»

ایشان امور حدسی را اموری دانسته اند که فقط برخی از مردم آن را ادراک می کنند. که این ضابطه با آنچه ما مطرح کردیم متفاوت است.

سپس فرموده اند:

«(أما القسم) الأول فهو داخل في باب الشهادة و لا إشكال في اعتبار العدالة في مخبره و أما اعتبار التعدد في غير موارد القضاء ففيه إشكال و خلاف و المسألة محررة في محلها»

در اعتبار عدالت در شهادت و خبر حسی در موضوعات مسلم است و اعتبار تعدد در غیر باب قضاء محل بحث و اشکال است. البته قاعدتا منظور ایشان از عدالت باید همان وثاقت باشد نه عدالت فقهی.

اما در امور حدسی، هیچ کدام از شروط شهادت معتبر نیست.

«(و اما القسم) الثاني فهو داخل في باب الرجوع إلى أهل الخبرة و لا يعتبر في هذا الباب شيء من شرائط باب الشهادة لبناء العقلاء على الرجوع إلى أهل الخبرة في أمورهم و عدم ثبوت ردع شرعي عن ذلك و السيرة المتشرعية و إن كانت على ذلك أيضا إلا ان الظاهر كونها من باب بناء العقلاء لا لأجل اختصاصهم بذلك لدليل شرعي»

این کلام دقیقا مخالف مطلبی است که از مرحوم شیخ نقل کردیم و ایشان گفتند شروط بینه در خبر حدسی هم معتبر است.

سپس اشاره کرده‌اند که اگر چه متشرعه هم به قول اهل خبره عمل می‌کنند اما این سیره متشرعه نیست بلکه بر اساس همان ارتکاز و سیره عقلایی است و لذا این طور نیست که در حجیت قول اهل خبره سیره متشرعه وجود داشته باشد.

بعد می‌فرمایند:

«فالعقدة في الباب هو ثبوت بناء العقلاء مع عدم ثبوت ردع شرعي نعم يظهر من بعض اعتبار شرائط الشهادة في الرجوع إلى أهل الخبرة في باب العيب و لعله من جهة كون ذلك الباب من موارد الترافع و التنازع المعتبر فيه البينة بلا إشكال لقوله صلى الله عليه و آله إنما أقضي بينكم بالأيمان و البينات لا من جهة اعتبار شرائط الشهادة في الرجوع إلى أهل الخبرة مطلقا فتحصل من جميع ذلك ان الاخبار عن المحسوسات يعتبر في حجيته ما يعتبر في باب الشهادة و الاخبار عن الحدسيات و ما يحتاج معرفتها و إدراكها إلى إعمال نظر و قريحة إن كان في مورد الترافع و التنازع فيعتبر في حجيته شرائط الشهادة أيضا و اما في غير ذلك فلا يعتبر فيه شرائطها»

عمده ثبوت بنای عقلاء و عدم ردع از آن است و بعد می‌فرمایند اما ظاهر کلمات برخی در باب خيار عيب اعتبار شرايط شهادت است و آن را به این بیان توجیه می‌کنند که مربوط به باب ترافع و تنازع بوده است.

سپس گفته‌اند خبر حدسی در جایی معتبر است که مفید و ثوق و اطمینان باشد پس قول اهل خبره به عنوان اینکه قول اهل خبره است اعتبار ندارد بلکه آنچه معتبر است و ثوق و اطمینان است و یکی از مصادر و ثوق، می‌تواند قول اهل خبره باشد.

«نعم يعتبر فيه كون الخبر مفيدا لمرتبة من الوثوق و الاطمئنان يسكن معها النفس و اما مع عدم افادتها فلا دليل على حجية الخبر تعبدا فإن بناء العقلاء من الأدلة اللبية و ليس لها عموم أو إطلاق يؤخذ بهما فلا بد من الأخذ بالمقدار المتيقن و هو مورد حصول الوثوق و الاطمئنان لا مطلقا بل و الظاهر عدم ثبوت بناء العقلاء على شيء تعبدا بل لا بد من اعتبار الوثوق في تمام موارد بناءاتهم لأنه المتيقن من مواردها»

ایشان می‌فرمایند حجج عقلایی همیشه بر اساس و ثوق و اطمینان معتبرند و اصلا عقلاء حجت تعبدي ندارند و این کلام از ایشان عجیب است. آیا حجیت ظهور و اصل حقیقت و ... به ملاکی غیر از تعبد است؟ حتما این امور از باب اطمینان و وثوق شخصی معتبر نیستند بلکه نهایتا گفته می‌شود که از باب وثوق نوعی معتبر است که البته به نظر ما همین هم اشتباه است اما ظاهر کلام مرحوم نایینی که می‌فرمایند «یسکن معها النفس» یعنی وثوق و اطمینان شخصی معتبر است.

بعد در ادامه به این اشاره کرده‌اند که خبر از موارد استعمالات که خبر حسی است و در آن تعدد معتبر است و خبر از معنای حقیقی و مجازی اگر چه حدسی است اما لغوی در آن خبرویت ندارد.

سپس ایشان به این مساله پرداخته‌اند که آیا می‌توان قول لغوی را مثل جرح و تعدیل اهل رجال بر اساس انسداد پذیرفت؟ و گفته‌اند قول رجالی بر اساس انسداد معتبر است اما قول لغوی بر این اساس حجت نیست چون آنچه می‌تواند حجیت ظن را اثبات کند انسداد باب علم و علمی در معظم احکام شریعت است و روشن است که عدم اعتبار قول لغوی به انسداد باب علم و علمی در معظم احکام منجر نمی‌شود و احتیاط در مواردی که باب علم و علمی در آنها منسأ است منشأ عسر و حرج نمی‌شود.

و در نهایت فرموده‌اند:

«فالتحقیق انه لم یقم لنا دلیل علی حجیة قول اللغوی لتعین المعانی الحقیقیة عن غیرها نعم إذا حصل الوثوق بمعنی اللفظ من قوله فلا یبعد کونه بذلك ظاهراً بحیث ینسب من اللفظ عند سماعه فیشملة أدلة حجیة الظهور فقول اللغوی و ان لم یکن بنفسه حجة فی مقام تعیین الظهور إلا انه ربما یوجب دخول المعنی فی موضوع ثبت حجیته من الخارج کما ان قول الرجالی ربما یوجب دخول الروایة فی الموثقات فیشملة أدلة حجیة الخبر الموثق»

درست است که قول لغوی نه از باب قول اهل خبره و نه از باب انسداد معتبر نیست اما اگر قول لغوی منشأ شکل‌گیری ظهور بشود، قول لغوی از باب ظن خاص و حجیت ظواهر معتبر است.

هم چنین درست است که قول اهل خبره به ملاک حصول اطمینان و وثوق معتبر است اما ممکن است در فرضی که قول اهل خبره منشأ شکل‌گیری خبر موثق یا سایر حجج خاص بشود معتبر است.

توضیح مطلب:

ممکن است چیزی خودش حجت نباشد اما منشأ شکل‌گیری حجتی باشد مثل اینکه ظن غیر معتبر که خودش حجیتی ندارد اما می‌تواند منشأ شکل‌گیری موضوع قسامه بشود و در چنین فرضی قسامه معتبر است هر چند آن ظن هیچ اعتباری ندارد و اگر آن ظن هم نبود قسامه معتبر نبود چون موضوعش شکل نگرفته بود.

ممکن است قول رجالی حجت نباشد اما باعث شود که خبر موثق شکل بگیرد و بر حجیت خبر موثق دلیل خاص داریم. به عبارت دیگر حجیت خبر واحد به ملاک وثوق نوعی است و قول رجالی در توثیق اگر چه منشأ وثوق و اطمینان شخصی نیست و با قطع نظر از وثوق هم حجیتی ندارد اما باعث شکل‌گیری خبر واحدی می‌شود که نوعاً موثق است و بر این اساس مشمول ادله حجیت خبر واحد قرار می‌گیرد که مفاد آنها حجیت خبر موثق (یعنی خبری که نوعاً مفید وثوق است) است. یا مثل اینکه عمل مشهور به خبر ضعیف می‌تواند موجب تحقق خبر موثق باشد که بر حجیتش دلیل خاص وجود دارد هر چند شهرت خودش فاقد حجیت است.

این نکته در محل بحث ما هم قابل تطبیق است و قول خبره ممکن است مفید وثوق و اطمینان نباشد اما باعث شکل‌گیری برخی حجج خاص مثل خبر موثق بشود.

بر همین اساس هم نمی‌توان نفی اعتبار قول خبره در صورت عدم حصول وثوق و اطمینان را به مرحوم نایینی نسبت داد و مرحوم نایینی به بیانی که گذشت قول خبره را بر اساس ظن خاص حجت می‌داند.